

اشتراط تعدد مجالس اقرار در اثبات جرائم جنسی موجب حد

دکتر محمد محسنی دهکلانی*

چکیده:

آیا در ترتب احکام در جرائم جنسی موجب حد، تعدد مجالس اقرار شرط است؟ به عبارت دیگر آیا لازم است هر اقرار در مجلسی غیر از مجلس اقرار قبلی واقع شود؟ یا اینکه وقوع تمام اقراریه مثبت حد، به‌طور متوالی و در یک مجلس کفایت می‌کند؟

قبل از بررسی این موضوع باید تأکید کرد بنابر نظری که "اقرار واحد" را در اثبات جرائم فوق کافی می‌دانست و نیز طبق مبنای نگارنده در غیر زناى موجب رجم که اثبات آن استثنائاً محتاج ۴ اقرار است، موردی برای بحث مذکور باقی نمی‌ماند. بلکه تنها طبق دیدگاه مشهور که اثبات جرائم جنسی مشروط به وقوع ۴ اقرار است و نیز طبق دیدگاه نگارنده در زناى محصن موجب رجم، سؤال فوق موجه به نظر می‌رسد.

کلید واژه‌ها: اشتراط، تعدد، اقرار، مجالس، مشهور، نادر.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

Mmdehkalany@yahoo.com

آیا در ترتب احکام در جرائم جنسی موجب حد، تعدد مجالس اقرار شرط است؟ به عبارت دیگر آیا لازم است هر اقرار در مجلسی غیر از مجلس اقرار قبلی واقع شود؟ یا اینکه وقوع تمام اقرار مثبت حد به طور متوالی و در یک مجلس کفایت می‌کند؟

قبل از بررسی این موضوع باید تأکید کرد بنا بر نظری که "اقرار واحد" را در اثبات جرائم فوق کافی می‌دانست و نیز طبق مبنای نگارنده در غیر زنا می‌موجب رجیم که اثبات آن استثنائاً محتاج ۴ اقرار است. موردی برای بحث مذکور باقی نمی‌ماند. بلکه تنها طبق دیدگاه مشهور که اثبات جرائم جنسی مشروط به وقوع ۴ اقرار است و نیز طبق دیدگاه نگارنده در زنا می‌محسن موجب رجیم، سؤال فوق موجه به نظر می‌رسد.

در پاسخ به پرسش مذکور می‌گوییم:

جماعتی از فقها نظیر شیخ و ابن حمزه و قطب‌الدین راوندی تعدد مجالس را شرط می‌دانند. شیخ الطائفه در کتاب الخلاف می‌نویسد: «لا يجب الحد بالزنا الا باقرار اربع مرات فی اربعة مجالس فاما دفعة واحدة فلا يثبت بهی علی حال» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۳۷۷).

ایشان در اثر دیگر خود نیز بر این مطلب تأکید دارد و آن را دیدگاه گروهی از فقها می‌داند: «لا يثبت حد الزنا الا بالاقرار اربع مرات من الزانی فی اربعة مجالس متفرقة و به قال جماعة» (همان، ۱۳۸۷، ج ۴۸).

ابن حمزه نیز بمانند شیخ معتقد است: «اما ثبوت باقرار الفاعل فیصح باربعة شروط باقرار الفاعل اربع مرات فی مجالس متفرقات» (ابن حمزه طوسی، بی‌تا، ۴۱۰).

صاحب فقه القرآن نیز در این مسئله موافق با آنان است. (قطب‌الدین راوندی، بی‌تا، ج ۲، ۳۷۱).

لکن در مقابل، مشهور امامیه تعدد مجالس اقرار را در اثبات جرائم جنسی شرط نمی‌دانند و قایل به عدم اعتبار تعددند لذا مطلق ۴ اقرار را کافی در اثبات آن می‌دانند.

مرحوم مفید در مقنعه معتقد است: «اذا أقر الانسان علی نفسه بالزنا اربع مرات علی اختیار منه للاقرار وجب علیه الحد» (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ۷۷۵)

همانطور که از کلام مرحوم مفید دیده می‌شود وی در مقام بیان شرایط اثبات زنا بوسیله



اقرار سخنی از تعدد مجالس به میان نیاورده است.

شیخ طوسی برخلاف نظرش در دو کتاب مبسوط و خلاف در نهاییه معتقد است: «و ثبت حکم الزنا بشیین احد هما اقرار الفاعل بذلك على نفسه مع كمال عقله من غير اكراه ولا اجبار اربع مرات دفعه بعد اخرى» (شیخ طوسی، بی تا، ۶۸۹).

در مراسم سلار آمده است: «فان أقر على نفسه اربع مرات حد ايضاً» (سلار، ۱۴۱۴، ۲۵۴). قاضی این براج می نویسد: «فهو اقرار الانسان الكامل العقل المختار على نفسه اربع مرات دفعه بعد اخرى» (قاضی این براج، بی تا، ج ۲، ۵۲۴).

صاحب الكافي في الفقه آورده است: «انما يكون المرء زانيا في الشريعة بأن يقربه اربع مرات عاقلاً مختاراً» (ابوصلاح حلبی، بی تا، ۴۰۴). ابن ادريس نیز می نویسد: «احد هما اقرار الفاعل العاقل الحر بذلك على نفسه من غير اكراه و لا اجبار اربع مرات في اربعة اوقات دفعه بعد اخرى». (ابن ادريس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ۴۲۹)

با عنایت به عبارت «اربعه اوقات» می توان به این نکته پی برد که جناب ابن ادريس تأکید دارد تا اقرار چهارگانه مثبت حد بطور مستقل و منفک از یکدیگر منعقد گردند اما ایشان در باب اشتراط تعدد مکان این اقرار سخنی به میان نیاورده است.

کافه متأخرین در این باره با مشهور قدما هم داستاند. (محقق حلی، ۱۴۰۲، ۲۱۴ - فاضل آبی، بی تا، ج ۲، ۵۴۳ - علامه، ۱۴۱۳، ج ۳، ۵۲۳ - مختلف، ۱۴۱۲، ج ۹، ۱۵۸ - همان، ۱۴۱۲، ۱۷۱ - همان، ۱۴۲۰، ج ۲، ۲۲۱ - فخر المحققین، بی تا، ج ۴، ۴۷۲ و ج ۱۳، ۲۷ - فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ۳۹۴ و سید علی طباطبائی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۴۶۲ و ...).

تا آنجا که صاحب جواهر در رد کسی که ۴ اقرار در یک مجلس را مثبت حد نمی داند معتقد است قول به عدم اشتراط مختار اکثر اصحاب است لذا می نویسد «وفاقاً لاطلاق الاكثر و صریح غیر واحد ممن تأخر» (شیخ محمد حسن نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۲۸۳).

دلایل قائلین به عدم اشتراط (قول مشهور)

۱- اصله عدم اشتراط (فاضل آبی، بی تا، ج ۲، ۵۴۳)

مراد فقها از اصل آن است هرگاه مثلاً مکلف نداند حکم، مشروط به تعدد مجالس است یا خیر، اصل عدم اشتراط آن است به عبارت دیگر شارع در وقت جعل حکم تعدد مجالس را شرط ننموده و حکم به اثبات مثلاً زنا را منوط و مقرون بدان شرط نکرده است.

به نظر می‌رسد اگر منظور از اصالة العدم، اصل عملی باشد، اثری بدان بار نمی‌شود چرا که در فرض مسئله عموم قاعده «درء الحدود بالشبهات» موردی برای اصالت العدم باقی نمی‌گذارد لکن اگر منظور از اصالت العدم، اصل لفظی باشد بدین بیان که این نکته در اقرار به عنوان شرط جعل نشده است. اصالت العدم در واقع شبیه اصالة عدم القرینه در موقع شک در وجود قرینه مخفی بر ما می‌شود و نتیجه این می‌شود که حد به مجرد ۴ اقرار واجب می‌شود با این توضیح مرجع این اصل همان اصل عدم تخصیص است لذا «عموم اقرار العقلاء علی انفسهم جایز» مثلاً در باب زنا به اعتبار تعدد اقرار تخصیص خورده است و اصل عدم تخصیص بیشتر است لذا اگر در اعتبار تعدد مجالس شک کنیم مقتضی اصل عدم اشراط است. البته ممکن است اشکال شود اگر در روایت ظهوری که زائل کننده شک در اعتبار تعدد مجالس و عدم آن باشد وجود نداشته باشد اقرار ۴ دفعه در یک مجلس مورد شک است و حدود بواسطه شک و شبهه درء می‌شود. (محمد رضا گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۱۳۹).

۲- تعدد مجالس دخالتی و تأثیری در قبول اقرار و یا عدم آن ندارند و موجب ظن و یا قطع به درستی یا نادرستی سخن مقرر نمی‌شود. (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۱۵۸، ۹).

۳- عمومات و اطلاقات ادله نظیر «اقرار العقلاء علی انفسهم جایز» مقتضی عدم اشراط است و لذا چه بسا بتوان ادعا نمود قول به اشتراط خلاف اصل است. (سید احمد خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۱، ۱۷۰، ۷).

۴- جناب مقدس اردبیلی ذیل ادله قول مشهور «عدم الدلیل» را دلیل «علی العدم» می‌داند (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۱۳، ۲۸) در توضیح کلام ایشان باید گفت از آنجا که قایل به اشتراط مدعی است و منطقاً بار اثبات بر دوش مدعی است لذا در فرض فقدان دلیل بر ثبوت اشتراط، حکم بر عدم اشتراط می‌کنیم.

۵- روایات وارده در باب حد زانی که بر اعتبار ۴ لقرار دلالت دارد، ذکری از تعدد مجالس در

آنها نشده است. اطلاعات اخباری مثل خبر جمیل از امام صادق (ع) که فرمودند «لا یقطع السارق حتی یقر بالسرقه مرتین و لا یرجم الزانی حتی یقر بالزنا اربعه مرات» (شیخ طوسی، بی‌تأج، ۸۰۱) قابل ذکر است ممکن است مراد از اطلاق، اطلاق ناشی از مقدمات حکمت باشد با این توضیح که علاوه بر این که متکلم در مقام بیان تمام موضوع بودند قید تعدد مجالس را بیان نکرده است چرا که اگر تعدد مجالس در واقع لحاظ شده بود ذکر آن لازم می‌بود و گرنه نقض غرض و اغراء به جهل لازم می‌آید و یا ممکن است مراد از اطلاق ظهور لفظی و نه مقامی باشد به این صورت که تمام موضوع تنها ۴ دفعه اقرار است که در این حالت نیازی به مقدمات حکمت وجود ندارد.

دلایل قائلین به اشتراط (قول شاذ)

قائلین به اشتراط نیز برای اثبات مدعای خود دلایلی اقامه کردند که از آن جمله:

۱- ظهور اخباری مثل خبر ماعز و حدیث منقول از حضرت صادق دلالت بر اشتراط چنین امری می‌نماید در خبر اخیر چنین آمده است «قال اتی النبی رجل فقال انی زینت فصرف النبی وجهه عنه فأتاه من جانبه آخر ثم قال مثل ما قال فصرف وجهه عن ثم جاء الیه الثالثه فقال یا رسول الله انی زینت و عذاب الدنیا اهون علی من عذاب الآخره فقال رسول الله (ص) أبصاحبکم بأسٌ - یعنی جنه - قالو لا فأقر علی نفسه الرابعه فامر رسول الله ان یرجم (؟)

در پاسخ می‌توان گفت قصه ماعز و امثال آن قضایای اتفاقی می‌باشند که دلالتی بر اشتراط تعدد مجالس اقرار ندارند. مگر این که ملتزم شویم این نحو از تحول به نفسه مجلسی مستقل به حساب می‌آید که در این صورت تعدد مجالس بر آن صدق می‌کند به عبارت دیگر مراد از تعدد مجالس، تفرق فیزیکی نیست بدین صورت که مجلسی تمام شود سپس مجلس دیگری شکل گیرد و حاکم و مقر برای بار دیگر یکدیگر را ملاقات کنند در این صورت قصه ماعز ظهوری در تعدد مجالس ندارد بلکه ظهور در وحدت مجالس دارد بلکه در صدق تعدد مجالس تحول و تغییر حال مجلس کفایت می‌کند این مقدار از مفارقت در داستان ماعز و موارد مشابه حاصل شده است چرا که در حضور پیامبر برای بار نخست اقرار به زنا نمود و پس از اعراض پیامبر از ناحیه دیگری دوباره به سمت پیامبر متوجه شد و..... و اگر در صدق تعدد مجالس بدین نحو شک داریم شاید

بتوان گفت عرف عقلا چنین حملی را نمی‌پذیرد.

۲- فخرالمحققین به دلیل دیگری استناد کرده و می‌فرماید حد زنا مبتنی بر تخفیف است نتیجه آنکه در موضع شک به قدر متیقن آن اکتفا می‌شود و قدر مسلم آن چیزی است که در حضور نبی واقع شده است و آن تعدد مجالس اقرار است (فخر المحققین، بی‌تا، ج ۴، ۴۷۳)

۳- مقتضای صناعه و آن اصل برائت ذمه از حد است بواسطه اقرارات کامل در مجلس واحد. به نظر می‌رسد با وجود اماره و اصول لفظی نوبت به اصل عملی نمی‌رسد.

آنچه به عنوان نتیجه ارزیابی ادله طرفین به ذهن می‌رسد این است که ادعای قائلین به اشتراط تمام نبوده و استدلال ایشان به اخباری مثل قصه ماعز محل اشکال است چرا که اخبار مذکور دلالتی بر اشتراط مذکور ندارند چون وقوع مجالس متعدد به حسب اتفاق بوده است زیرا اعراض پیامبر از سخن ماعز بعد از اقرار نخست وی و نیز تکرار چنین امری از سوی پیامبر بعد از اقرار دوم تا چهارم موجب تحول و تغییر حال و سبب حصول تعدد مواضع اقرار شده است و بر فرض که تعدد مواضع اقرار را بپذیریم این مطلب دلالتی بر تعدد مجالس اقرار ندارد چرا که غرض نبی از تأخیر قبول اقرار مقرر به خاطر استکمال عدد معتبر در اقرار بوده نه به خاطر تعدد مجالس آن و اعراض ایشان به خاطر منع کردن مقرر از اقرارات بعدی و در نتیجه عدم اجرای حد در حق مقرر بوده است لذا به نظر می‌رسد در مقام جمع بندی بتوان گفت بواسطه عدم دلیل مقتضی بر اشتراط تعدد مجالس، اقوا عدم اشتراط چنین امری است.

فهرست منابع:

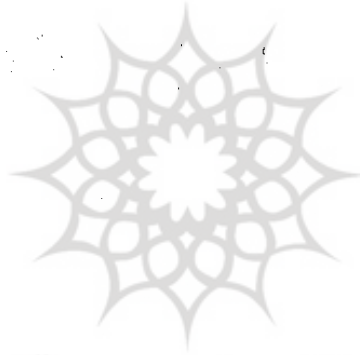
- ۱- ابن ادریس الحلّی، ابی جعفر محمد بن منصور، (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، موسسه النشر الاسلامی [الطبعة الثانية].
- ۲- ابن حمزه، عماد الدین ابی جعفر محمد بن علی، (۱۴۰۸)، الوسيله الی نیل الفضیله، قم، مطبعه الخيام، چاپ اول.
- ۳- الاردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، مؤسسه نشر الاسلامی.
- ۴- خوانساری السید احمد، (۱۳۵۵)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، الناشر مکتبه الصلوق،

طهران، الطبعة الثانية.

- ٥- الراوندى، قطب الدين سعيد بن هبه الله، (١٤٠٥)، **فقه القرآن**، مكتبه آبه الله مرعشى نجفى، قم چاپ دوم.
- ٦- سلا، ابى يعلى حمزة بن عبد العزيز الديلمى، (١٤١٤)، **المراسم العلوية فى الاحكام النبوية**، قم، الناشر: المعاونة الثقافية للمجمع العالمى لاهل البيت (ع) تاريخ الطبع، المطبعة امير،
- ٧- شيخ الطائفة أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى، (١٣٩٠)، **تهذيب الاحكام فى شرح المقنعه**، تهران، دار الكتب الاسلاميه.
- ٨- شيخ الطائفة أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى، (١٤٠٧)، **الخلاص**، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، التاريخ.
- ٩- شيخ الطائفة أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى، (١٣٨٧)، **المبسوط فى فقه الإمامية**، طهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، المطبعة الحديدية.
- ١٠- شيخ الطائفة أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى، (بى تا)، **النهايه فى مجرد الفقه والفتوى**، قم، انتشارات قدس محمدى.
- ١١- الشيخ المفيد، أبى عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البندادى، (١٤١٠)، **المقنعة**، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الثانية.
- ١٢- الطباطبائى، سيد على، (١٤٠٤)، **رياض المسائل فى بيان الاحكام بالدلائل**، قم، مؤسسه آل بيت،
- ١٣- العاملى، الشيخ الحر، (بى تا)، **وسايل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة**، دار احياء التراث العربى، بيروت.
- ١٤- العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن المطهر، (١٤١٠)، **إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان**، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، مطبعة مؤسسة النشر الإسلامى الطبعة الأولى.
- ١٥- العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن المطهر، (١٤٢٠)، **تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه**، قم، مؤسسه الامام الصادق، [الطبعة الاولى].
- ١٦- العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن المطهر، (١٤١٣)، **قواعد الاحكام فى معرفة الحلال والحرام**، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة : الاولى.
- ١٧- العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن المطهر، (١٤١٢)، **مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة**، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، الطبعة : الأولى.
- ١٨- الفاضل الآبى، زين الدين أبى على الحسن بن أبى طالب، (بى تا)، **كشف الرموز فى شرح المختصر النافع**، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
- ١٩- الفاضل الهندى، بهاء الدين محمد بن الحسن، (١٤٠٥)، **كشف اللثام**، قم، مكتبه سيد المرعشى.
- ٢٠- فخر المحققين، ابى الطالب محمد بن الحسن الحلى، **ايضاح الفوائد**، (١٤٠٥)، منشورات مكتبه السيد المرعشى النجفى، قم.
- ٢١- الكلبايگانى، سيد محمد رضا، (١٤١٢)، **الدر المنضود فى احكام الحدود**، مقرر الشيخ على الكرىمى الجهرمى، دار القرآن الكرىم، [الطبعة الاولى].



- ٢٢- المحقق الحلّي، نجم الدین جعفر بن الحسن (١٤٠٢)، المختصر النافع فی فقه الامامیة، طهران، منشورات، قم الدراسات الاسلامیه فی مؤسسه البعثة الطبعة الثانية.
- ٢٣- النجفی، الشیخ محمد حسن، (١٣٤٧)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دار الکتب، الاسلامیه، نوبت چاپ سوم.



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی